

رضا عظیمیان

REZA AZIMIAN



تنظیم دوباره
"RESET"



+ برای بهار و تابستان از مجموعه دانلودها، رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر، ۱۳۹۲
+ For Spring & Summer from the Download series, oil on canvas, 150x150 cm, 2013

+ کی هم دیگر را ببینیم؟ از مجموعه دانلودها، رنگ روغن روی بوم دولته‌ای، ۱۵۰×۲۰۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
+ *When Shall We Meet?* from the *Download* series, oil on canvas, diptych, 150x200 cm overall, 2013





+ گوشواره سیاه ۱ از مجموعه دابلودها، رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر، ۱۳۹۲
+ *Black Earrings 1* from the *Download* series, oil on canvas, 150x150 cm, 2013

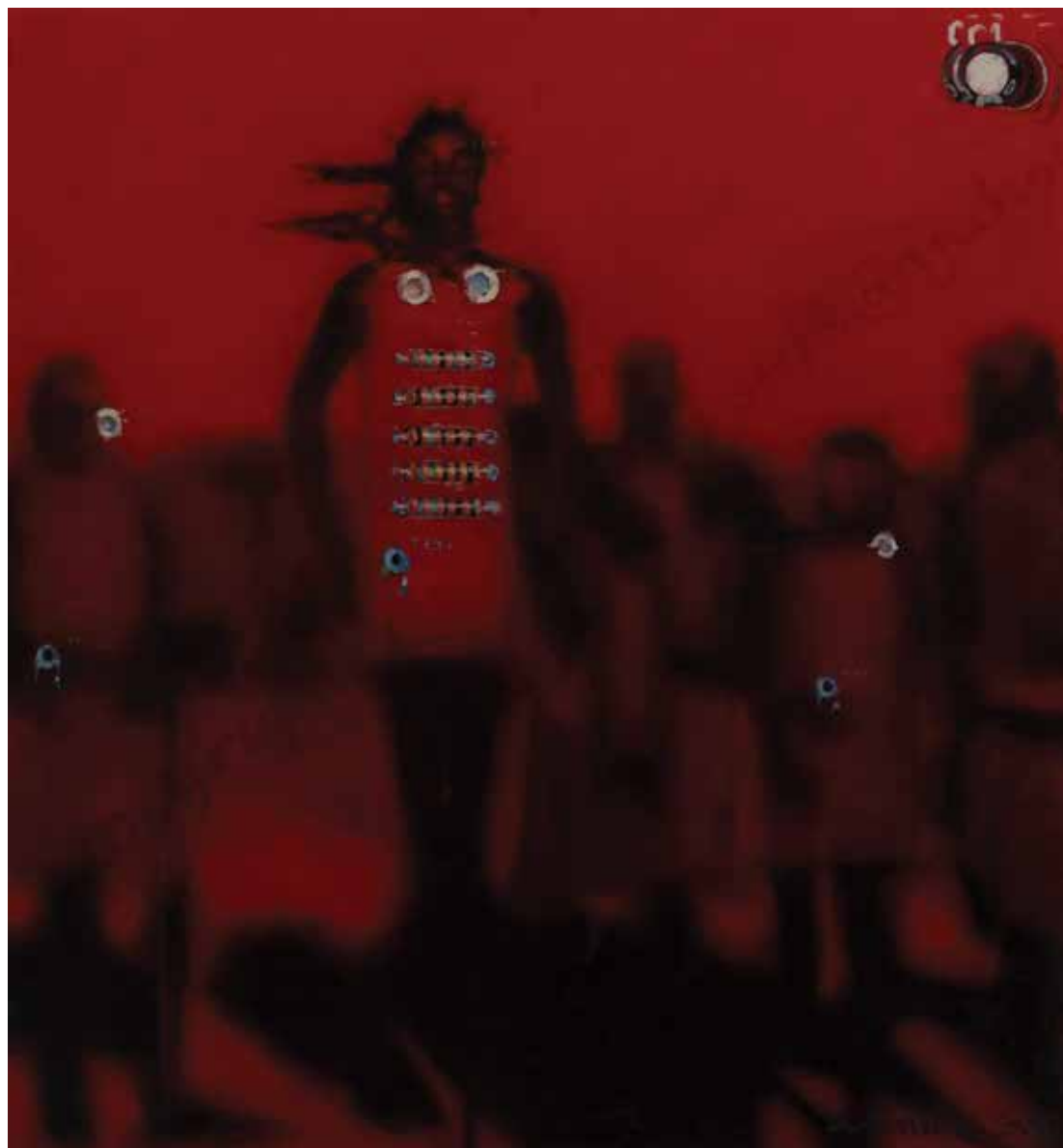


+ بالا چپ از مجموعه دانلوددها، رنگ روغن روی بوم، سه لته‌ای، ۱۲۰×۱۲۰ سانتی متر، ۱۳۹۲
+ *Upper Left from the Download series, triptych, 120x120 cm overall, oil on canvas, 2013*



+ سلام از مجموعه دانلوددها، رنگ روغن روی بوم، دو لته‌ای، ۱۲۰×۲۴۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
+ *Hello from the Download series, oil on canvas, diptych, 120x240 cm overall, 2013*





+ گوشواره سیاه ۲ از مجموعه دابلودها، رنگ روغن روی بوم، ۱۲۰×۱۳۰ سانتی متر، ۱۳۹۲
+ *Black Earrings 2* from the *Download* series, oil on canvas, 130x120 cm, 2013



+ یک فنجان چای از مجموعه دانلودها، رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۵۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
+ *A Cup of Tea from the Download series, oil on canvas, 150x150 cm, 2013*

Eight red, black and white paintings. All in three layers: a flat black or red background, an object at the focal point and some signs and symbols applied on top. All created around a delicate and beautiful living creature: a woman, a cat or a horse. And all with disrelated titles. The portrait of a woman with clothes-pegs in her hair titled + *For Spring and Summer*, or a Persian cat with pulled ears titled + *A Cup of Tea*, all accentuating the dominant presence of the painter.

(Am I seeing the nightmares of a painter?)

Reset

First time: In each painting, the painter has selected an image. It does not matter whether he has picked it from the real or the virtual world. Obviously, he has manipulated them favorably: deleted their background, made women's hair loose, blurred them, inserted some electronic signs and symbols or placed the figures in the dark. What stands out is the contrast and juxtaposition. The contrast between the glossiness of red and dullness of black; between a sweet sleep and an immense amount of void; between the smoothness of blurred surfaces and sharpness of the crown like clothes-pegs and the bitter face of a woman; between the curved forms of the fans and the geometric patterns of hardware architecture. Is it the softness and cuteness of a Persian cat that we see or its blind eyes and pulled ears? Is it the charming and seductive gaze of a girl that he highlights or the clothes-pegs in her hair? Are we to see the gallant bowing of a horse or its exposed jawbone fastened to its back?

(I am seeing the striking nightmares of a painter.)

Reset again: The connection is interrupted. The message is unclear. Is it me or the painting? Maybe this is the point. Not being able to connect. Not being "able" to connect or not "feeling like" or not being "capable" of connecting? Is it me or the painter? It should be the distraction of mind. My mind or that of the painter? The visual incoherence might also be a significance, so might be the added objects and symbols. The clothes-pegs signify worries and fear and pain and the dark background of the sleeping girl denotes her social or emotional void. The joy and buoyancy of head banging and loosening of the hair happens in a closed circuit that requires a reset. And, choosing + *Black Earring 1 and 2* for the distorted long-shot of a woman and a distorted close-up of another woman? Is the connection interrupted and message unclear?

(Am I seeing the striking nightmares of a painter?)

Last reset: Reza Azimian's recent series is clearly and undoubtedly figurative and representational, from both aesthetic and semiological point of view. Nevertheless, the painterly accent and the repetition of visual forms dissociate them from being narrative. None of the paintings implies a particular space, time and story. None of them arouses any emotional or stimulating feeling and does not make viewers recall their personal experiences or memories. The artist has fashioned this distance consciously and deliberately by using his painterly technique and influential visual language. It is the distance between us and our thoughts, between us and the others, between us and our cognitive power and its impact on our personal and social connections. It is in fact the distance shaped by our scattered and absent mind. In his latest series, Reza Azimian's aesthetic and conceptual language is chosen to be alienation and it requires viewers' conscious encounter. He has picked an analytical technique to reflect an analytical matter. This is how he guides his audience through an analytical path by alienating them from what they see and supposedly comprehend, portraying, "beautifully", the distance he believes is born out of people's distracted and absent minds.

(I am seeing some real paintings.)

Reset again?

هشت نقاشی قرمز و سیاه و سفید. همه در سه لایه: پس زمینه‌ی تخت سیاه یا قرمز، سوژه‌ای در مرکز و علائم و نشانه‌هایی سوار بر آن. همه با محوریت موجود زنده‌ای نرم و زیبا: زن، گربه و اسب. همه با عناوینی به ظاهر بدون ارتباط با تصویر. چهره‌ی زنی گیره به سر با عنوان + برای بهار و تابستان، چهره‌ی گربه‌ای گیره به گوش با عنوان + یک فنجان چای و همه موکد حضور غالب نقاش. او همه چیز را در ترکیبی از سه رنگ کشیده. به سر و گوش و صورت تصاویر محوریش چیزی اضافه کرده، یا آن‌ها را از بستر خود بریده و در مکانی دیگر قرار داده و یا پرده‌ای تار رویشان کشیده است.

(کابوس‌های یک نقاش را می‌بینم؟)

تنظیم دوباره

بار نخست - خاموش / روشن: در هر تابلو، نقاش تصویری را انتخاب کرده است. فرقی هم نمی‌کند از کجا - دنیای ملموس یا مجازی. آن‌ها را به دلخواه پالوده است. منظره پشتشان را حذف کرده یا موهایشان را افشان کرده است. تارشان کرده، رویشان علائم مدارهای الکترونیک گذاشته یا در قعر سیاهی قرارشان داده است. آنچه بسیار به چشم می‌آید تضاد و دوگانگی است. تضاد بین درخشش قرمز و خفتگی سیاه. میان خواب آرام و حجم انبوهی از خلاء و تاریکی. بین نرمی سطوح مات و تیزی گیره‌های تاج مانند و تلخی چهره‌ی زن، میان فرم‌های نیم گرد بادبز و نقوش هندسی سخت افزاری. نرمی و ملوس‌ی گربه‌ی ایرانی یا چشم کور و گوش کشیده شده‌اش؟ دلربایی و نگاه نافذ دختر یا گیره‌های رخت به سرش؟ کرنش با شکوه اسب یا فک بسته به پشت و سلام پر دردش؟

(کابوس‌های جذاب یک نقاش را می‌بینم.)

دوباره - خاموش / روشن: ارتباط منقطع است. موضوع مفهوم نیست. منم یا اثر؟ موضوع شاید همین است. عدم برقراری ارتباط. عدم "توان" یا عدم "تمایل" یا عدم "امکان" برقراری ارتباط؟ منم یا او؟ هزار پارگی ذهن. ذهن من یا نقاش؟ هزار پارگی تصویر هم دلالت بر همین دارد، شاید. اشیا و نشانه‌های افزوده بر تصویر هم همین‌طور. گیره حکایت از دغدغه و ترس و نگرانی و درد دارد و سیاهی پشت دختر خفته نشان از خلاء اجتماعی یا عاطفی اوست. سبکالی ناشی از چرخاندن سر و افشان کردن مو در مدار بسته‌ای رخ می‌دهد که باید از نو خاموش و روشن شود. و انتخاب عنوان + گوشواره‌ی سیاه ۱ و ۲ برای نمای از دور تمام مخدوش یک زن و نمای از نزدیک کمی مخدوش زنی دیگر؟ ارتباط منقطع است و موضوع نامفهوم؟

(کابوس‌های جذاب یک نقاش را می‌بینم؟)

بار آخر - خاموش / روشن: آثار این مجموعه، به سادگی و وضوح، فیگوراتیو و بازنمودی‌اند؛ هم از منظر زیبایی‌شناسی و هم نشانه‌شناسی. در عین حال تاکیدهای نقاشانه و عنصر تکرار، آن‌ها را از فاز روایی خارج می‌کند. هیچ تابلو بیانگر مکان و زمان و داستان مشخصی نیست. هیچ تابلو حسی عاطفی یا هیجانی در مخاطب بر نمی‌انگیزد و حس‌گر خاطرات یا تجربیات فردی او را فعال نمی‌سازد. نقاش با آگاهی کامل و به عمد بر ایجاد این فاصله تاکید دارد. فاصله‌ای که دغدغه‌ی او است و بسیار نقاشانه و با قدرت بیان دیدارایش آن را منتقدانه در معرض دید مخاطبانش قرار می‌دهد. فاصله‌ی میان ما و افکارمان. میان ما و دیگران. میان ما و درک عمومیمان و تاثیر آن در ارتباطات فردی و اجتماعیمان. فاصله‌ای که زاییده اغتشاش فکری و عدم حضورمان در مواجهه و دریافت است. بیان زیبایی‌شناسانه‌ی رضا عظیمیان در این مجموعه فاصله‌گذارانه است و مواجهه‌ای آگاهانه (متضاد منفعلانه) طلب می‌کند. او برای طرح موضوعی انتقادی، روش برخوردی انتقادی در تکنیک و موضوع نقاشیش برگزیده و مخاطبش را در مسیری انتقادی هدایت می‌کند و با ایجاد فاصله میان او و اثر، فاصله‌ای را که نتیجه‌ی آشفتگی فکر و عدم تمرکز و "حضور" می‌داند و مسبب عدم برقراری ارتباط، به "زیبایی" نشان می‌دهد.

(نقاشی‌هایی را می‌بینم که نقاشی‌اند.)

باز هم - خاموش / روشن؟

REZA AZIMIAN

1977 Hamedan, Iran **Education 1997** Incomplete Studies in Art, Azad University, Tehran, Iran **Solo Exhibitions 2014** Reset, Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2012** False Feelings, Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2009** The Steps Gallery, London, UK **2008** Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2005** Sheys Gallery, Tehran, Iran **Selected Group Exhibitions 2012** Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2011** Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2011** Magic of Persia, Shortlist Exhibition, Dubai, UAE **2009** 101 Oil and Its Aftermath, Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2007** Assar Art Gallery, Tehran, Iran **2007** Mahe Mehr Gallery, Tehran, Iran **Art Fairs 2012** Art Moscow, Russia, Moscow **2010** Contemporary Istanbul, Istanbul, Turkey **2010** Art Dubai, Dubai, UAE

رضا عظیمیان

۱۳۵۶ همدان، ایران **تحصیلات ۱۳۷۶** دانشجوی انصرافی رشته هنر، دانشگاه آزاد **نمایشگاه‌های انفرادی ۱۳۹۲** تنظیم دوباره، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۰ احساسات کاذب، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۸ گالری استیس، لندن، انگلستان ۱۳۸۷ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۴ گالری شیث، تهران، ایران **نمایشگاه‌های گروهی ۱۳۹۱** نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۰ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۰ مچیک آو پرشیا، دوی، امارات متحده عربی ۱۳۸۸ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۶ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۶ گالری ماه مهر، تهران، ایران **آرت فرها ۱۳۹۱** آرت مسکو، مسکو، روسیه ۱۳۸۹ کانتیمپوری استانبول، استانبول، ترکیه ۱۳۸۹ آرت دوی، دوی، امارات متحده عربی

www.assarartgallery.com

All rights reserved

No part of this publication may be copied or transmitted in any form or by any means without the prior written permission of **Assar Art Gallery**.

Printed in February 2014

Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei - Dabestan Studio

Photo by: Amirhossein Biparva - Dabestan Studio

Production Manager: Hooyar Asadian

تهران، کریم خان زند خیابان ایرانشهر کوی برفروشان، شماره ۱۶
کدپستی ۱۵۸۳۶: تلفن: ۸۸۳۲۶۶۸۹ فکس: ۸۸۴۴۳۹۴۷
16 BARFOROUSHAN ALLEY,
IRAN SHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST., 15836 TEHRAN-IRAN.
PHONE: (+9821)88326689 FAX: (+9821)88343947
info@assarartgallery.com

ASSAR
ART
GALLERY
نگارخانه اسرار